

An Analysis of the Frequency of Engraving the Name of Imam Ali ibn Musa al-Reza (AS) on Coins in the Era of Nader Shah Afshar's Successors

Javad Mousavi Dalini^{*}

(Received on: 2020-01-18; Accepted on: 2020-04-05)

Abstract

The most prominent historical period in terms of coinage with themes and topics related to respect, devotion and affiliation with Imam Ali ibn Musa al-Reza (AS) is the era of the successors of Nader Shah Afshar (1160-1210 AH). This study, using library resources and descriptive-analytical method, seeks to investigate the frequency of the minting of coins in the name of Imam Reza (AS) during the reign of Nader Shah, which had never been so widespread before him. The findings of the study indicate that Nader Shah's successors, who were active in Khorasan, centered in Mashhad, because they were aware of the spiritual influence of Imam Ali ibn Musa al-Reza (AS) among the Iranian people, especially in Khorasan, tried to show their devotion to the Imam in order to increase their own popularity. Hence, the minting of coins in the name of Imam Reza (AS) flourished more than before in the era of Nader Shah's successors to the extent that other claimants to power who were at a lower level at that time also engraved the blessed name of the Imam on their coins. It shows that the themes and slogans written on the coins reflect the worldview and the religious, moral and political beliefs of the community in which the coins were prevalent.

Keywords: Numismatics, Ali ibn Musa al-Reza (AS), Adel Shah Afshar, Amir Aslan Khan Afshar, Shahrokh Afshar.

^{*} Assistant Professor, Department of History, Shiraz University, Shiraz, Iran, javadmousavi@shirazu.ac.ir.

پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هفتم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۲۱۹-۲۴۶

تحلیلی بر فراوانی نقر نام حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بر روی سکه‌ها در عهد جانشینان نادرشاه افشار

جواد موسوی‌دالینی*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴]

چکیده

پررونق‌ترین مقطع تاریخی از جهت نقر سکه با مضامین و سجع‌هایی در پیوند با احترام، ارادت و وابستگی به حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) مربوط به دوره جانشینان نادرشاه افشار (۱۱۶۰-۱۲۱۰ ه.ق) است. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی تحلیلی در پی این مسئله است که فراوانی نقر نام مبارک حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را در سکه‌های ضرب‌شده در دوره جانشینان نادرشاه بررسی کند؛ اقدامی که در هیچ برهه‌ای تا پیش از این با این فراوانی نظیر و بدیل نداشته است. یافته پژوهش حاکی از آن است که جانشینان نادرشاه، که در خراسان به مرکزیت مشهد فعال بودند، چون از نفوذ معنوی حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در بین مردم ایران، به‌ویژه در خراسان آگاهی داشتند، کوشیدند با نشان‌دادن ارادت خود به آن امام همام بر میزان محبوبیت‌شان بیفزایند. از این‌رو ضرب سکه به نام امام رضا (علیه السلام) در عصر بازماندگان نادر بیش از پیش رونق گرفت، به گونه‌ای که دیگر مدعیان قدرت که در آن برهه زمانی در سطوح پایین‌تری قرار داشتند، نیز نام مبارک آن حضرت را بر روی سکه‌هایشان حک کردند. این موضوع نشان می‌دهد که مضامین و شعارهای نگاشته‌شده بر روی سکه‌ها بیانگر جهان‌بینی و باورداشته‌های دینی، اخلاقی و سیاسی جامعه‌ای است که آن سکه‌ها در آنجا رواج داشته است.

کلیدواژه‌ها: سکه‌شناسی، علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، عادل‌شاه افشار، امیر اسلان‌خان افشار، شاهرخ افشار.

بیان مسئله

دانش سکه‌شناسی نقشی مهم در آشکارسازی تحولات مذهبی دوره‌های مختلف دارد. زیرا یکی از مهم‌ترین جنبه‌های پژوهشی سکه‌ها به عنوان اسناد حکومتی و رسمی، مضامین مذهبی نقرشده بر رو و پشت آنها است که همواره نشانگر سیاست‌ها و گرایش‌های مذهبی فرمانروایان و مردمان تحت حاکمیت‌شان است.

نادر پس از تاج‌گذاری و توسعه قلمرو، با کنار نهادن شعائر شیعه، مضامین سکه‌ها را تغییر داد. اما پس از نادرشاه، سایر فرمانروایان افشاریه (عادل‌شاه، ابراهیم، شاهرخ) نام مبارک امام رضا (علیه السلام) را بر سکه‌هایشان حک کردند. علاوه بر این، شاخصه و ویژگی سکه‌های مقطع تاریخی یادشده میزان فراوانی استفاده از نام حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است که آن را از دوره‌های دیگر متمایز می‌کند. بر این اساس، مسئله این پژوهش چرایی فراوانی استفاده از نام حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بر روی مسکوکات آن برهه زمانی است؛ و نیز اینکه: هدف و انگیزه بازماندگان و جانشینان نادرشاه از نقر نام امام رضا (علیه السلام) بر روی سکه‌ها چه بوده است؟ فرض پیش رو بر این اساس استوار است که مقطع تاریخی یادشده به عنوان دوره‌ای پرتنش از منظر بحران مشروعیت و اندیشه‌های مذهبی مطرح است و جانشینان و بازماندگان نادری در پی ایجاد رویکرد مذهبی متفاوت با عملکرد نادرشاه بودند که بر محور مذهب شیعه و ارادت به امام رضا (علیه السلام) استوار بود. نگاه نوشتار حاضر، فارغ از دغدغه‌های باورمندی قلبی و ارادت فرمانروایان افشاری به حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است و سنجه‌ای را در این مسیر به کار نخواهد گرفت تا میزان تقیّد یا پای‌بندی قلبی را ارزش‌گذاری کند.

پیشینه تحقیق

گرچه تحقیقاتی در حوزه سکه‌شناسی این مقطع تاریخی نگاشته شده (رابینو، ۱۳۵۳؛ قانینی، ۱۳۸۸؛ سرافراز و آورزمانی، ۱۳۸۳؛ فرح‌بخش، ۱۳۸۵) اما این آثار بیشتر به معرفی مسکوکات موزه‌های عمومی و خصوصی پرداخته و مسکوکات را از جنبه تعیین جنس، نوع خطوط، محل ضرب، تاریخ ضرب، تزئینات و غیره بررسی کرده است. علاوه بر آثار ارزشمند یادشده، دو مقاله دیگر به موضوع ضرب نام امام رضا (علیه السلام) بر روی مسکوکات پرداخته است؛ شاه‌مرادی و منتظرالقائم (۱۳۹۵) صرفاً به سکه ولایت‌عهدی حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در ابتدای قرن سوم هجری پرداخته‌اند. سرافرازی (۱۳۹۳) هم در پژوهش خود به شکلی گذرا به ضرب نام امام رضا (علیه السلام) از دوره ولایت‌عهدی تا

عصر پهلوی اشاره کرده و برخی از فرمانروایانی را که نام مبارک امام رضا (علیه السلام) را بر روی مسکوکاتشان نقر کرده‌اند، نام می‌برد. بنابراین، پژوهش حاضر متفاوت با سایر پژوهش‌ها این موضوع را، به شکل ویژه و مستقل، پس از حدود نُه و نیم قرن از نقر نام امام رضا (علیه السلام) بر روی مسکوکات (۲۰۲-۱۱۴۴ ه.ق.) می‌کاود. علاوه بر این، میزان فراوانی مضامین و سجع‌هایی را که در پیوند با ارادت به نام حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقر و حک شده و پیش و پس از آن نظیر و بدیل نداشته است می‌کاود. لذا ابتدا به بهره‌گیری تبلیغی از مضامین نقرشده بر روی سکه‌ها و همچنین اهمیت استفاده از دانش سکه‌شناسی (Numismatics) در تاریخ می‌پردازیم. سپس پیشینه نقر نام امام رضا (علیه السلام) بر روی مسکوکات را بررسی می‌کنیم و در پایان به ضرب سکه به نام حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به دستور فرمانروایان و مدعیان قدرت افشاری از جمله نادرقلی (طهماسب‌قلی خان) عادل‌شاه، امیر اصلان‌خان، ابراهیم‌شاه و شاهرخ افشاری می‌پردازیم.

بهره‌گیری تبلیغی از مضامین حکاکی‌شده بر روی سکه

یکی از کاربردهای آثار هنری «مقتاعدکردن و تبلیغ» است. از آنجا که تاریخ ایران اغلب فقط تاریخ سیاسی را شامل می‌شود، تصاویر به عنوان بخشی از بدنه حکومتی در جامعه تولید و بازتولید می‌شود. بنابراین، برای درک تجارب دیداری هر عصر و بنیادهای مؤثر بر آن، کشف رابطه میان تصویر و واقعیت برای دریافت بینش حاکم بر آن ضروری است.

یکی از مهم‌ترین شگردهای تبلیغاتی به منظور تأثیرگذاری بر جامعه هدف، استفاده از الگوی نشانه‌ها و سایر عناصر نمادین است که در اشکال و صورت‌های گوناگون خود را بروز می‌دهد. این الگوها در قالب‌های متنوع و فراگیر، امکان بروز و ظهور دارد و از طریق شنیداری و دیداری، مستقیم یا غیرمستقیم، مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فراوانی کاربرد این ابزارها و فنون می‌تواند نوعی استمرار را پدید آورد که به صورت جدی ذهن شنونده یا بیننده را به خود معطوف کند و نه تنها به تعمیق باورهای او کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز گسترش کمی ایدئولوژی یا دیدگاه مد نظر هم باشد (متولی، ۱۳۹۱: ۱۸۹). ظاهراً جانشینان و بازماندگان نادری نیز در بهره‌گیری از این شگردهای تأثیرگذار غافل نبودند و از جنبه تنوع و تکثر و نیز استمرار، به‌خوبی از انواع شیوه‌ها بهره می‌بردند.

در میان این نمادها، انواع مسکوکات به سبب ماهیت ذاتی خود که گستره وسیعی دارد و همچنین بهره‌گیری تبلیغی از علائم و نوشتارهای حکاکی‌شده بر روی آنها اهمیت چشمگیری

داشت. سکه، به‌ویژه گونه‌های ارزشمندش، مانند طلا و نقره، که طیف متنوعی داشت عملاً ابزار تبلیغاتی مؤثری تلقی می‌شد. مضامین، اشعار، و جلوه‌های حکاکی‌شده بر روی مسکوکات می‌تواند حامل اقتدار سیاسی و رویکردهای مذهبی مرجع صادرکننده سکه باشد. از لحاظ ارزش ذاتی سکه، که به جنس و نوع آن باز می‌گشت و نیز پرکاربرد بودن آن در عرصه‌های اقتصادی زندگی، می‌توان از آن به عنوان یکی از مؤثرترین شیوه‌های اشاعه نگرش و بینش مذهبی یاد کرد.

پیشینه نقر نام امام رضا (علیه السلام) بر روی سکه‌ها

شیعیان و پیروان ائمه (علیهم السلام) از صدر اسلام می‌کوشیدند نام ائمه (علیهم السلام) را بر روی سکه‌ها نقر کنند. ضرب سکه‌های طلا و نقره به شکل مستقل و ویژه به نام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و نگاهستن نام آن امام بر مسکوکات از ابتدای قرن سوم هجری و از عهد مأمون عباسی شروع شد. نخستین سکه به نام ایشان در خراسان در شهرهای مرو و سمرقند و پس از آن در اصفهان ضرب شد که در آنها، آن حضرت «ولی عهد مسلمین» نامیده شده‌اند (سرافرازی، ۱۳۹۳: ۱۳). در روی سکه در دایره وسط آمده است: الله / محمد رسول الله / المأمون خلیفة الله / مما امر به الامیر الرضا / ولی عهد المسلمین علی بن موسی / بن علی بن ابی طالب / ذوالریاستین. در حاشیه روی سکه آیه ۳۱ سوره توبه: «محمد رسول الله هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون» نقر شده است (تصویر ۱). در پشت سکه در دایره وسط عبارت: «لا اله الا الله / وحده لا شریک له / المشرق» آمده است. در پشت سکه دو دایره است که در دایره حاشیه کوچک‌تر، متن «بسم الله / ضرب هذا الدرهم بمدينة اصفهان سنة اربع و مائین» درج شده است. در حاشیه خارجی دایره بزرگ‌تر، آیه ۴ سوره روم «لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله» (تصویر ۲) حک شده است (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۱۳۹).



به دلیل حضور خلافت عباسیان تا عهد ایلخانان، دیگر از نقر مضامین شیعی، نام و القاب ائمه (علیهم‌السلام) بر روی مسکوکات اثری دیده نمی‌شود. در دوره ایلخانان و از دوره غازان خان به دلیل انقراض دستگاه خلافت عباسی حک شعائر شیعی بر سکه‌ها رواج بیشتری یافت و برای نخستین بار اسامی دوازده امام (علیهم‌السلام) از جمله نام حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) بر بسیاری از سکه‌ها حک شد. از آنجا که نام امام رضا (علیه‌السلام) با نام یازده امام (علیهم‌السلام) دیگر ذکر شده است نمی‌توان آنها را فقط سکه امام رضا (علیه‌السلام) نامید (بیانی، ۱۳۷۹: ۴۶۳/۲). اشپولر نقر نام دوازده امام (علیهم‌السلام) را دلیل رونق تشیع در این دوره می‌داند (اشپولر، ۱۳۶۸: ۴۶۳). در سکه‌های سربداران و برخی سلسله‌های محلی نام امامان (علیهم‌السلام) نقش بسته است. همچنین، امیر تیمور گورکانی سکه دیگری را در سال ۸۰۷ ه.ق. به وزن چهار گرم با نام دوازده امام (علیهم‌السلام) ضرب کرد (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۰: ۵۵).

با ظهور حکومت صفویه و رسمی شدن مذهب شیعه در سال ۹۰۷ ه.ق، تغییر بسیار معناداری در مضامین و شعائر مسکوکات پدید آمد. نقر نام پادشاهان صفوی، القاب و عباراتی در وابستگی و وصف ارادت آنان به خاندان نبوت و امامت به‌ویژه حضرت علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) چنان بود که بر مسکوکات شاه‌اسماعیل اول «ناد علی»، بر سکه‌های شاه‌طهماسب اول، «اسامی دوازده امام (علیهم‌السلام)» (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۵۴-۲۵۸)، بر سکه‌های محمد خدابنده، «غلام امام مهدی (عج)» یا «غلام امام علی (علیه‌السلام)» (قائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۶-۱۲۷)، بر سکه‌های شاه‌عباس اول و دوم «کلب آستان علی عباس» (7: Rabino, 1974)، بر سکه‌های شاه‌سلطان حسین، «کلب درگاه» (40: Ibid.)، ضرب شده و بعضاً نام دوازده امام نقش بسته است.

در عصر شاه‌عباس اول صفوی به دلیل رقابت‌های سیاسی و مذهبی که با عثمانیان داشت برای تضعیف آنان در صدد برآمد از رفتن زوّار به کربلا و نجف جلوگیری کند؛ چون هر ساله زائران مبلغ چشمگیری ارز طلا و نقره از ایران خارج می‌کردند عنایت ویژه‌ای به مشهد مقدس شد. لذا به رونق و گسترش حرم امام رضا (علیه السلام) توجه ویژه کرد؛ اما با این حال چنان‌که اشاره شد، در عهد شاه‌عباس اول و جانشینانش سکه‌ای مستقل با نام حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ضرب نشد، بلکه نام امام رضا (علیه السلام) با یازده امام دیگر در کنار یکدیگر حک شد. لذا نمی‌توان آن مسکوکات را سکه امام رضا (علیه السلام) نامید.

با حمله افغان‌ها به ایران و تصرف اصفهان به دست غلزائی‌ها، در سال ۱۱۳۵ ه.ق.، به ترتیب محمود افغان و اشرف افغان به حکومت رسیدند. با برآمدن این دو حاکم سنی‌مذهب، عبارات و سجع مسکوکات تغییر اساسی یافت. اشرف افغان در ابتدا شعری را ضرب کرد که در آن به خلفای راشدین اشاره دارد: «از الطاف شاه اشرف حق شعار/ به زر نقش شد سکه چاربار» (Ibid.: 12). سپس با این بهانه که سکه‌ها در دست اهل رد (کافرین) بر جلاله (نام خداوند) گناه است، برای دوری جستن از هر نوع ایرادی که علما و شیعیان مطرح کنند، زیرکانه شهادتین را هم از سکه‌ها حذف کرد و دستور ضرب سجع «دست رد بر جلاله بود گناه/ داد تغییر سکه اشرف شاه» را بر روی مسکوکات داد (رابینو، ۱۳۵۳: ۱۴۴). این تغییر مضامین و شعائر بر روی مسکوکات که پس از دو سده حکومت صفویه شیعه‌مذهب حک شد نکته بسیار مهمی از لحاظ تقابل مذهبی در این مقطع تاریخی است.

نادر (طهماسب‌قلی) و نقر سکه با نام امام رضا (علیه السلام)

هنگامی که نادر توانست اصفهان را از تصرف افغان‌ها در سال ۱۱۴۲ ه.ق. نجات دهد، شاه‌طهماسب دوم این پادشاه را به او داد که اداره امور خراسان و مالیاتش را در اختیار بگیرد. نادر در همین زمان دستور داد در ولایت مزبور سکه‌ای با شعار «سلطان اقلیم ولایت علی بن موسی الرضا» زدند (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۱۵۷). وی علاوه بر این در سال ۱۱۴۵ ه.ق. دستور ضرب سکه دیگری با مضمون ذیل داد که کاملاً مضامین شیعی به همراه داشت؛ روی سکه: «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله» و پشت سکه سجع: «از خراسان سکه بر زر شد به توفیق خدا/ نصرت و امداد شاه دین علی موسی رضا» نقر شد؛ و پیرامون روی سکه: «علی حسن حسین علی محمد جعفر موسی علی محمد علی حسن محمد» (تصاویر ۳ تا ۸) (Rabino, 1974: 1-15). در ذیل برخی از تصاویر سکه‌های زرین و مسین نادر (طهماسب‌قلی) دیده می‌شود که با نام مبارک امام رضا (علیه السلام) ضرب شده است.



(تصاویر ۳-۴)



(تصاویر ۵-۶)



(تصاویر ۷-۸)

نخستین سکه‌های نادرقلی با شعائر شیعه ضرب شده که طراز شیعه دارد؛ اما نادر پس از تاج‌گذاری و توسعه قلمرو، با کنار نهادن شعائر شیعه، مضامین سکه‌ها را تغییر داد. این تغییرات با تمایل‌های سیاسی و مذهبی این پادشاه پیوند داشت. به بیان دیگر، نادر پس از به قدرت رسیدن به منظور از بین بردن اختلافات مذهبی و برای جلب رضایت اهل سنت نام دوازده امام (علیهم‌السلام) و شهادتین و عبارت «علی ولی الله» را از سکه‌های خود حذف کرد و عبارات «گیتی‌پناه»، «شاه شاهان»، و «السلطان الاعظم» را بر روی مسکوکات خود نقر کرد که همگی نمایشگر اقتدار و شوکت نادر است و اقتباسی است از نگرش و رویکرد دنیوی به حکومت.

اما پس از نادرشاه، سایر فرمانروایان افشاریه (عادل‌شاه، ابراهیم و شاهرخ) و حتی مدعیان سطوح پایین‌تر همچون امیر اصلان خان افشار، بار دیگر در جهت اثبات ارادت و احترام به خاندان نبوت و ائمه (علیهم‌السلام)، اشعار و عبارات مذهبی و نام مبارک امام رضا (علیه السلام) را بر سکه‌های خود حک کردند. در این خصوص بارتولد درباره ضرب سکه به نام امام رضا (علیه السلام) در این برهه زمانی می‌نویسد:

هنگامی که در ایران حکومتی مورد پذیرش همگان نبود، سکه‌ای به نام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ضرب می‌گردید ... هیچ دولت مسلمان دیگر حتی امپراتوری عثمانی که توانست بر هدف‌های خود از اندیشه غزوه و جهاد، جاذبه مکه و مدینه و در پی آن اندیشه

خلافت بهره‌برداری کند، دارای چنین مرکز مقدسی نیست که حتی در روزگاری که دودمان حاکمی در کار نبوده است، نماد یگانگی حکومت باشد (بارتولد، ۱۳۸۹: ۲۶).

مضامین و سجع‌های متنوع مسکوکات با نام حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در عهد جانشینان نادرشاه

نادرشاه در محیط تهدید و ارباب قدرت را به دست آورد. مدتی نگذشت که در بیشتر مناطق ایران شورش‌هایی پدید آمد و سرانجام به قتل نادرشاه افشار در سال ۱۱۶۰ ه.ق. منتهی شد. پس از قتل نادر، مدعیانی کوشیدند قدرت را در دست گیرند، حال آنکه هیچ کدام مقبولیت و طرفداران لازم را نداشتند. بحران اجتماعی در ایران پس از قتل نادرشاه، تاریخ ایران را با طوفان سیاسی مواجه کرد؛ بحرانی که از مهم‌ترین نتایجش باید به تشکیل پی‌درپی حکومت‌های چندروزه، جنگ‌های مداوم و فراگیر، قتل و غارت‌های مکرر، کورکردن‌های بی‌شمار، عصیان و نافرمانی حاکمان محلی و مأموران دولتی، طایفه‌گرایی، درگیری‌های درون‌دودمانی، آسیب‌های فراوان اجتماعی و رکود شدید حیات اجتماعی و اقتصادی مردم ایران اشاره کرد (صفت‌گل، ۱۳۷۵: ۲۹۴-۲۹۵).

سه سال پس از مرگ نادرشاه، سال‌های جنگ جانشینی در خاندان افشاری بود. برخی از مورخان معتقدند نقشه کشتن نادرشاه را برادرزاده‌اش، علی‌قلی‌خان طراح و اجرا کرد. محمدخلیل مرعشی صفوی می‌نویسد: «نادرشاه به اشاره و سازش علی‌قلی‌خان، برادرزاده او که پسر ابراهیم‌خان ظهیرالدوله برادر نادرشاه بود ... مقتول گردید» (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۸۴-۸۵). سردارانی که نادر را کشته بودند، سر او را نزد علی‌قلی‌خان فرستادند که در مسیر سیستان به مشهد بود. او پس از آمدن به مشهد اعلام پادشاهی کرد و خود را عادل‌شاه خواند. شاه جدید چون فکر کرد با وجود اعقاب نادرشاه مشکل بتواند به قدرت برسد، نیرویی برای تصرف کلات فرستاد. آنها پس از چند روز محاصره وارد قلعه کلات شدند. فرزندان نادر، رضاقلی‌میرزا، نصرالله‌میرزا، امام‌قلی‌میرزا گریختند؛ گرچه نصرالله‌میرزا مقاومتی نشان داد، اما سرانجام هر سه برادر گرفتار، و به کلات بازگردانده شدند. آنگاه به دستور علی‌قلی‌خان، رضاقلی‌میرزا را با پانزده تن از نزدیکانش کشتند. نصرالله‌میرزا و امام‌قلی‌میرزا را هم در مشهد مقتول، و سایر برادران را (چنگیزخان سه‌ساله و محمدالله‌خان نوزاد) مسموم کردند (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۴۲۷). عادل‌شاه فقط شاه‌رخ‌میرزا، پسر چهارده‌ساله رضاقلی‌میرزا، را زنده نگه داشت. بنا به نوشته قزوینی، «علی‌قلی‌خان، شاه‌رخ را به جهت تدابیر ملکی پنهان کرد و خبر قتل او را شهرت داده بود» (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۵). زیرا شاه جدید

این احتمال را می‌داد که مردم حکومتش را نپذیرند و کسی را از خاندان نادر یا صفویان بطلبند. لذا شاهرخ را زنده نگه داشت (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۴۲۷).

عادل‌شاه و ضرب سکه با نام امام رضا (علیه السلام)

بازماندگان نادر و رؤسای ایلات هر کدام با پایگاه ضعیف اجتماعی و مذهبی‌شان بخت خود را برای دستیابی به قدرت آزمودند؛ اما به دلیل نداشتن مشروعیت مذهبی در جامعه ایران نتوانستند بر تمامی ایران مسلط شوند. مدعیان قدرت چون مشروعیت مذهبی نداشتند در پناه نام امامان قرار گرفتند. در این زمان افرادی که به نام خود سکه زدند به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ گروهی که در خراسان به مرکزیت مشهد فعال بودند، از قبیل: برادرزادگان نادرشاه، علی‌قلی‌خان (عادل‌شاه: ۱۱۶۰-۱۱۶۱ ه.ق.)، ابراهیم‌شاه (۱۱۶۱ ه.ق.) و نوه نادر، شاهرخ (۱۱۶۱-۱۲۱۰ ه.ق.). گروه دیگر که در نواحی غربی و مرکزی شامل آذربایجان، فارس و اصفهان در تلاش برای حاکمیت بودند. هر دو گروه مجبور بودند به دلیل فقدان مشروعیت مذهبی از شعائر مذهبی استفاده کنند و نام ائمه (علیهم السلام) را در سکه‌های خود بیاورند. آنان که در خراسان بودند نام مبارک امام رضا (علیه السلام) را بر سکه آوردند. در نواحی غربی ایران مدعیان حکومت از قبیل ابراهیم‌شاه، آزادخان افغان و کریم‌خان زند (۱۱۶۳-۱۱۹۳ ه.ق.) و جانشینان خان‌زند، بیشتر نام حضرت صاحب‌الزمان (علیه السلام) را بر سکه‌های خود نقر کردند. البته آنها مدعی مهدویت نبودند، بلکه در صدد بودند بحران مشروعیت مذهبی خود را با نقر سکه به نام امام زمان (علیه السلام) برطرف کنند (سرافرازی، ۱۳۹۳: ۱۰۵). ادعاهای این‌چنینی باعث شد همه مدعیان به نحوی خود را ارادتمند ائمه (علیهم السلام) معرفی کنند. جالب اینکه حتی آزادخان افغان نیز متوجه بود بدون محبوبیت مذهبی شیعی نمی‌تواند در ایران حاکمیت یابد. از این‌رو با اینکه خود اهل سنت بود سکه صاحب‌الزمانی ضرب کرد (موسوی دالینی، ۱۳۹۸: ۸۰).

مضامین و شعارهای نگاه‌شده بر روی سکه‌ها بیانگر جهان‌بینی و باورهای دینی، اخلاقی و سیاسی جامعه‌ای است که آن سکه‌ها در آنجا رواج داشته است. از این‌رو هرچند ضرب سکه‌ها و نقر مضامین آن در اختیار حکمرانان بوده، اما از روی مصلحت برای رضایت اتباع خود به اعتقادات شیعی آنان احترام گذاشتند و سکه‌ها را با نام ائمه (علیهم السلام) ضرب کردند.

عادل‌شاه شاهد سال‌های پایانی آن برهه بود و از فرجام محمود و اشرف غلزائی و نفرت مردم از آنان اطلاع داشت و از سرانجام تلخ نادر و رویکرد مذهبی‌اش برای توجیه مشروعیت در کسب مقام سلطنت و پذیرفته‌نشدن آن از جانب مردم عبرت گرفته بود. اکنون زمان آن فرا رسیده بود که

عادل‌شاه اساس حاکمیت و قدرت خویش را برای مردم توجیه کند. وی برای جلب رضایت علما، بزرگان و مردم اصلاحاتی را در پیش گرفت تا نشان دهد سخت‌گیری‌های عهد نادری به پایان رسیده است. عادل‌شاه افشار بلافاصله مذهب شیعه را رسمی کرد.

با آغاز حکمرانی عادل‌شاه تغییر جدیدی در مسکوکات پدید آمد، به گونه‌ای که احترام و ارادت فرمانروای افشاریه به ائمه (علیهم‌السلام) در قالب ابیات شعر فارسی بر روی سکه‌ها انعکاس یافت. عادل‌شاه در سال ۱۱۶۱ ه.ق. در اصفهان سکه نقره چهارشاهی ضرب کرد که روی سکه عبارت «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» و پیرامون روی سکه نام ائمه (علیهم‌السلام) «علی، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و محمد» به چشم می‌خورد (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۸۵). پشت سکه نیز عبارت «گشت رایج بحکم لمیزلی، سکه سلطنت بنام علی» ضرب شده است (تصاویر ۹ تا ۱۲) (فرح‌بخش، ۱۳۸۵: ۶۷).



(تصاویر ۹ تا ۱۲)

تحلیلی بر فراوانی نقر نام حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ... ۲۳۱/

علاوه بر این، از علی قلی خان سکه ده‌شاهی، نقره، ضرب مشهد، در سال ۱۱۶۱-
۱۱۶۲ ه.ق. یافت شده که بر روی آن عبارت «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی
الله» و پشت سکه شعار «یا علی بن موسی الرضا» حک شده است (تصاویر ۱۳ تا ۱۸)
(سکه عادل‌شاه در کتاب‌خانه و موزه ملی ملک).



(تصاویر ۱۳ تا ۱۸)

سکه دیگری (ده‌شاهی، نقره، ضرب مازندران، ۱۱۶۱ ه.ق.) که از عادل‌شاه موجود است و روی
سکه عبارت «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» و پشت آن سجعی بدین مضمون
نقر شده است: «(ز بعد نادر دوران، عدالت سکه بر زر شد / به نام شاه دین سلطان علی عالم منور
شد)» (تصاویر ۱۹ تا ۲۰) (Rabino, 1974: 16).



(تصاویر ۱۹-۲۰)

واضح است که منظور اصلی دستگاه حکومتی علی‌شاه در استفاده از تعبیری چون «شاه دین»، حضرت امیر علیه السلام است و مراد از «سلطان علی» حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است. عادل‌شاه افشار از سویی برای زدودن یاد بی‌عدالتی‌های اواخر دوران نادرشاه، خواسته است به حضرت علی علیه السلام و حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام اشاره کند که مظهر عدالت بودند و از این رهگذر، شاه کنونی یعنی عادل‌شاه را ادامه‌دهنده راه آن بزرگواران معرفی کند (سرافرازی، ۱۳۹۳: ۱۵).

مدتی از حکمرانی عادل‌شاه نگذشته بود که او از شورش برادر خود، ابراهیم‌خان، که بر حکومت اصفهان گماشته بود، اطلاع یافت (بازن، ۱۳۴۰: ۵۸). ابراهیم‌میرزا در این اوضاع آشفته با بهره‌گیری از رویدادهایی که به کمک وی آمد، توانست بر توان خود بیفزاید. تصرف قلعه مستحکم کرمانشاه و توپ‌خانه قدرتمند نادر و سرانجام گرایش امیر اصلان‌خان، حاکم آذربایجان، ابراهیم‌خان را چنان توانمند کرد که توانست در نبرد بین سلطانیه و زنجان، عادل‌شاه را مغلوب و اسیر کند. ابراهیم‌میرزا در تاریخ جمادی‌الاول ۱۱۶۱ ه.ق. بر دیدگان برادر خود، عادل‌شاه، که کمتر از یک سال حکومت کرد، میل کشید (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۸۵).

امیر اصلان‌خان افشار و ضرب سکه با نام امام رضا علیه السلام

از خاندان افشاریه افراد دیگری نیز نام امام رضا علیه السلام را بر سکه‌های خود نقر کردند. برخی از حکام محلی که سرستیز با فرمانروایان افشاری داشتند و علیه آنها عصیان کردند نیز برای اعلام استقلال به نام خود سکه زدند؛ از جمله امیر اصلان‌خان قرخلو افشار، پسرعمه نادرشاه افشار. بنا به نوشته گلستانه، امیر اصلان‌خان از شجاعان بنام بود و در روزگار نادر بر آذربایجان فرمان

می‌راند. وی قریب سی هزار نفر قشون کارآمد در اختیار داشت و ادعای جانشینی نادر را در سر می‌پروراند. پس از قتل نادرشاه، اردبیل را تصرف کرد و سام میرزای سوم را که مدعی بود از نسل صفویان است از میان برد. سپس روانه تبریز شد و با کاظم‌خان، حاکم قره‌داغ پیمان دوستی و نظامی منعقد کرد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۳۲-۳۵). تبریز در سال ۱۱۶۱ ه.ق. به دست امیر اصلان‌خان افتاد. عادل‌شاه سفیری برای به رسمیت شناساندن پادشاهی خود نزد امیر اصلان‌خان روانه تبریز کرد، اما امیر اصلان‌خان با حمایت قشون حاکم قره‌داغ، سفیر عادل‌شاه را به قتل رساند ولی درخواست ابراهیم‌خان، برادر عادل‌شاه، را برای مساعدت پذیرفت و ابراهیم‌خان با پشتیبانی قاطع او بر عادل‌شاه غلبه کرد. «جمعی که به دستور امیر اصلان‌خان به تعاقب علی‌شاه پرداخته بودند، او را در تهران دستگیر نموده و به لشکر ابراهیم‌خان آوردند. در آنجا دو سه روز مقید بود تا به دستور برادرش، دیده‌اش از شاهد بینایی محروم گردید» (همان: ۳۵).

امیر اصلان‌خان افشار، متحد دیروز، مدعی امروز تاج و تخت بود. پس از این پیروزی نمایان و غلبه بر عادل‌شاه، امیر اصلان‌خان به آذربایجان بازگشت و دستور ضرب سکه در تبریز را داد. زیرا هر فردی که هوس سروری داشت و به نحوی در صدد به دست آوردن موقعیتی بود، سکه ضرب می‌کرد. علاوه بر این، سکه غالباً به نشانه استقلال و اعلام موجودیت و هویت ضرب می‌شد. از این‌رو امیر اصلان‌خان در هنگام حاکمیت بر آذربایجان سکه‌هایی ضرب کرد که بر این مسکوکات بیتی شعر نقر شده و بر روی آن نام مبارک امام رضا (علیه السلام) بدین مضمون آمده است: «ز فیض حضرت باری و سرنوشت قضا/ رواج یافت بر زر سکه امام رضا» (تصاویر ۲۱ تا ۲۲) (Rabino, 1974: 29).



(تصاویر ۲۱ تا ۲۲)

در این اقدام امیر اصلان‌خان افشار دو نکته در خور توجه است: با اینکه غالب سپاهیان وی از یک و افغان با گرایش اهل سنت بودند، اما سکه‌ای که خان یادشده افشار ضرب کرده با نام حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است. همچنین، با توجه به حکمرانی او بر خطه آذربایجان و بُعد مسافت آن با خراسان، امیر اصلان‌خان نام علی بن موسی الرضا علیه السلام را بر روی سکه خود نقر می‌کند. دوره حکمرانی امیر اصلان‌خان در آذربایجان کوتاه بود؛ زیرا ابراهیم‌خان که در تدارک امر شاهی بود و از افزایش قدرت امیر اصلان‌خان بیم داشت، در صدد برآمد پیش از اینکه عازم خراسان و نبرد با شاهرخ شود کار امیر اصلان‌خان را یکسره کند. امیر اصلان‌خان نیز نظر به دلاوری، شجاعت و قشونی که داشت از تبریز به عزم جنگ با ابراهیم‌خان روانه شد. ابراهیم‌خان از تزلزل رأی و خصلت وفادار نبودن سپاهیان از یک و افغان که در خدمت امیر اصلان‌خان بود، سود جست و آنها را فریفت و به خود متمایل کرد. در نتیجه با خیانت سربازان افغان، امیر اصلان‌خان شکست خورد و اسیر شد و به قتل رسید (بازن، ۱۳۴۰: ۶۰-۶۱).

ابراهیم‌شاه افشار و ضرب سکه با نام امام رضا علیه السلام

پس از عادل‌شاه، دیگر برادرزاده نادرشاه افشار، به نام ابراهیم‌شاه در سال ۱۱۶۱ ه.ق. مدت کوتاهی به حکومت رسید. پس از اینکه خبر کورشدن عادل‌شاه به خراسان رسید، «بعضی از سرداران کُرد و غیره که از جنگ علی‌شاه و ابراهیم‌شاه گریخته به خراسان رفته بودند، با امرا و سرداران خراسان متفق شده، شاهرخ‌میرزا را که پسر رضاقلی‌میرزا و از بطن صبیّه‌شاه سلطان حسین و نواده نادرشاه بود، از قید علی‌شاه برآورده، شاهرخ‌شاه نام نهاده، به تاریخ یک هزار و یکصد و شصت و یک هجری به سلطنت برداشتند» (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۴۳۱).

ابراهیم‌خان با دریافت خبر حکمرانی شاهرخ‌میرزا در مشهد، در ذی‌الحجه ۱۱۶۱ ه.ق.، طرحی در سر می‌پروراند تا شاهرخ را از میان بردارد. ابراهیم‌خان به شاهرخ نوشت که بهتر است به عراق عجم برود و در آنجا تاج‌گذاری کند. این پیغام که فریبی بیش نبود با تدبیر سران خراسان خنثا شد. شاهرخ در مشهد ماند و در آنجا در شوال ۱۱۶۱ ه.ق. تاج‌گذاری کرد (مروی، ۱۳۶۴: ۱۱۹۳/۳). از این‌رو جنگ میان دو شاه اجتناب‌ناپذیر بود. ابراهیم‌میرزا در حالی که بار و بُنه خود را به همراه سید محمد، متولی مشهد مقدس، روانه قم کرده بود، خود با جمعیت بسیار از قزلباشان، افغان‌ها و ازبکان در سرخه با نیروی شاهرخ به نبرد پرداخت.

جمعیت انبوه اردوی ابراهیم‌خان از دو دسته اهل سنت و شیعه ترکیب می‌یافت. از آنجا که ابراهیم‌میرزا تا حدودی سیاست عمویش، نادرشاه را دنبال می‌کرد و تکیه بر نیروی ازبکان و

افغان‌ها داشت، قزلباشان قشون از عملکرد او رضایت نداشتند. افزون بر این، به شیوه گذشته، افغان‌ها و ازبکان در قبال شیعیان، به‌ویژه طبقات فرودست، رفتاری ستمکارانه در پیش گرفتند. بروز این‌گونه اقدامات، بیشینه لشکر را که شیعه بودند، آزرده‌خاطر کرد. سرانجام، این اختلاف میان دو گروه، در میدان جنگ خود را نشان داد. گرایش برخی از سران شیعی سپاه ابراهیم میرزا به شاهرخ، منجر به شکست ابراهیم میرزا شد. «در جنگ ابراهیم با شاهرخ بسیاری از افراد قشون ابراهیم میرزا که از نزاع و کشمکش‌های بی‌پایان به ستوه آمدند، شاه تازه را با قشون و حامیان افغان سنی مذهب خود، از جمله الله‌یارخان افغان تنها گذاشتند» (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۴۳۱). سرانجام ضربه اساسی را امیرخان، توپچی‌باشی وارد آورد که نه‌تنها سپاهیان ازبک و افغان را به توپ بست و نظم لشکر را بر هم ریخت، بلکه «جمیع توپ‌خانه و زنبورک‌خانه و کارخانجات اساسه دولت و اسباب شوکت را به معسکر شاهرخی رسانید» (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۱). سرانجام ابراهیم خان در مکانی نزدیک ساوه به دست سپاه شاهرخ دستگیر شد. ابراهیم میرزا پس از اینکه به چشمانش میل کشیده شد، به همراه عادل‌شاه، فرمانروای سابق در مسیر انتقال به مشهد در سال ۱۱۶۲ ه.ق. به قتل رسید (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۴۳۲-۴۳۳).

با اینکه کانون قدرت ابراهیم‌شاه، از دیگر حکمرانان افشاری، در آذربایجان و عراق عجم بود، اما مسکوکاتی که از وی به جا مانده است، با شعارهایی در وصف ائمه (علیهم‌السلام)، به‌ویژه حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) دیده می‌شود. رابینو سکه‌ای از ابراهیم‌شاه در سال ۱۱۶۱ ه.ق. در تبریز معرفی می‌کند که بدین مضمون است: «ز فیض حضرت باری و سرنوشت قضا/ رواج یافت بر زر سکه امام رضا» (تصاویر ۲۳ تا ۲۴) (رابینو، ۱۳۵۳: ۲۹).



(تصاویر ۲۳ تا ۲۴)

شاهرخ میرزا و ضرب سکه با نام حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)

شاهرخ، فرزند رضاقلی میرزا بود که از طرف مادرش فاطمه سلطان بیگم دختر شاهسلطان حسین، نسب به خاندان صفویه می‌رساند (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۵). به دلیل داشتن چنین امتیازی بود که عادل‌شاه از قتل شاهرخ خودداری کرد. از شاهرخ تحت عنوان «زینت‌افزای سریر سلطنت عظمای صفویه و نادریه بالارث والاستحقاق» یاد شده است (نویسی، ۱۳۶۸: ۵۰). مورّخان معاصر شاهرخ میرزا کوشیدند با پیوند نسبی او با خاندان صفوی، مشروعیت و مقبولیت فرمانروایی او را برجسته کنند (صفت‌گل، ۱۳۷۵: ۳۰۰). محمدکاظم مروی و میرزا مهدی‌خان استرآبادی هر دو بر تبار صفوی شاهرخ اصرار دارند که خود حاکی از کوشش آنها برای مشروعیت‌بخشی به پادشاهی شاه‌زاده افشاری است. میرزا مهدی‌خان استرآبادی می‌نویسد: «گوهر یگانه درّ دریای نجابت، وجودی که با گلاب دسته گل نادری و عصاره گل‌های صفی خوش‌بو گردیده بود» (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۴۳۱).

چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، پس از شکست ابراهیم‌خان از قشون شاهرخ، به رغم امتناع شاهرخ میرزا از جلوس بر تخت شاهی، بزرگان و خوانین خراسان عهد و پیمان با وی بستند و شاه‌زاده جدید افشاری را در شوال ۱۱۶۱ ه.ق. بر تخت نشاندند (همان)، گرچه انتخاب شاهرخ دیری نپایید و امیران خراسان پس از چندی بر آن شدند تا سید محمد مرعشی را، که تولیت حرم مطهر حضرت رضا (علیه السلام) در عصر نادرشاه را بر عهده داشت به پادشاهی بردارند. سید محمد که از طرف مادر نسبش به خاندان صفوی می‌رسید، نزد مردم و سپاهیان محترم و پذیرفته‌شده بود. شاهرخ از این وضعیت سخت نگران بود و برای دفع سید محمد متولی، با همکاری سرداران خود اقداماتی پنهانی علیه او انجام داد. سید محمد متولی با حمایت برخی از خوانین ناراضی از شاهرخ در پنجم صفر ۱۱۶۳، فرمانروای افشاری را از تخت برانداخت و خود را شاه‌سلیمان ثانی نامید (مرعشی، ۱۳۷۹: ۸۶). شاهرخ نیز کور شد، اما دیری نپایید که گروهی از خوانین که بسیاری از آنها اصل و نسب ترکی داشتند، از سید محمد روی برتافتند و پس از خلع او از مقام فرمانروایی، بار دیگر شاهرخ میرزای افشار را بر سریر سلطنت نشاندند (گلستانه، ۱۳۴۴: ۷۳-۷۵).

در بین جانشینان نادرشاه، طولانی‌ترین زمان حکومت را نواده نادر، شاهرخ در سال‌های ۱۱۶۱ تا ۱۲۱۰ ه.ق. دارد. شاهرخ تا روی کار آمدن آقامحمدخان قاجار، مدت طولانی در مشهد حاکمیت داشت و سکه‌های متفاوتی ضرب کرد. از جمله آنها سکه نقره به وزن یازده گرم که در مشهد در سال ۱۱۶۳ ه.ق. ضرب شده و پشت آن «ضرب مشهد مقدس، ۱۱۶۳» و روی آن بیتهی در

احترام به علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقر شده است: «سکه زد از سعی نادر ثانی صاحب‌قران/ کلب سلطان خراسان شاه‌رخ شاه جهان» (سکه شاه‌رخ افشاری در کتاب‌خانه و موزه ملی ملک) (تصاویر ۲۵ تا ۲۶) (افتخاری، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

لفظ «کلب» برای نخستین بار در عصر شاه‌عباس اول صفوی به نشانه ارادت بی‌سابقه بر روی سکه‌های صفوی نقر شد و در عهد جانشینانش تداوم یافت. در سکه‌های شاه‌عباس اول و دوم «کلب آستان علی عباس» (Rabino, 1974: 7)، و بر سکه‌های شاه‌سلطان حسین، «کلب درگاه» ضرب شد (Ibid.: 40)؛ اما عبارت «کلب سلطان خراسان»، «کلب آستان رضا» یا اصطلاحی با این مضمون در پیوند با ارادت و احترام به حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نخستین بار بود که بر روی مسکوکات ضرب شد. در ذیل مضامین متنوعی از این‌گونه شعائر که بر روی سکه‌های شاه‌رخ میرزا حک شده، دیده می‌شود.





(تصاویر ۲۵ تا ۲۶)

شاهرخ به نشانه احترام و ارادت بی سابقه به امام رضا (علیه السلام) سکه دیگری ضرب کرد و خود را «کلب آستان رضا» نامید. روی سکه عبارت «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» و پشت آن، این بیت نقر شده است: «سکه زد در جهان بحکم خدا / شاهرخ کلب آستان رضا» (تصاویر ۲۷ تا ۳۰) (شاهد، ۱۳۸۹: ۲۱۶).





(تصاویر ۲۷-۳۰)

در سکه‌ای دیگر که رابینو از شاهرخ معرفی می‌کند این بیت شعر درباره امام رضا (علیه السلام) حک شده است: «آن که باشد کلب سلطان خراسان شاهرخ / روز و شب بر درگهش ساینند مهر و ماه رخ» (Rabino, 1974: 29). در ادامه روزگار فرمانروایی شاهرخ میرزای افشار، دو تن از فرزندان، به نام‌های نصرالله میرزا و نادر میرزا، برای کسب برتری در مشهد، رقیب یکدیگر بودند. در مجموع، کشمکش‌های داخلی اعضای خاندان افشار و تسویه حساب‌های خانوادگی‌شان علیه یکدیگر و سرانجام قتل نادر میرزا در عصر فتح‌علی شاه قاجار منجر به محو و نابودی‌شان شد.

نتیجه

دوام و قوام حکومت فرمانروایان وابسته به مشروعیت آنها است. از این‌رو حکام کوشیده‌اند به نحوی حاکمیت خود را با نوعی از مشروعیت بیارایند. بر همین اساس، مشروعیت و مشروعیت‌یابی می‌توانست قدرت را به اقتداری مقبول تبدیل کند. یکی از کاربردهای آثار هنری «تبلیغ جهت مشروعیت‌یابی و متقاعدکردن» است. از این‌رو زمانی که بحرانی در جامعه به وجود می‌آید، این مسئله باید به نحوی در قالب بازنمایی حل شود. شعائر و مضامین روی مسکوکات در حیات سیاسی، اجتماعی و مذهبی جوامع و ظهور و افول حکومت‌ها، دست‌خوش دگرگونی‌هایی شده که حاکی از تحولات در جامعه است.

دانش سکه‌شناسی نقش مهمی در آشکارسازی تحولات مذهبی برهه‌های مختلف تاریخی دارد. سکه‌ها، از جمله مهم‌ترین نشانه‌های حکومت‌ها محسوب می‌شود. از این‌رو یکی از جنبه‌های مهم پژوهشی سکه‌ها، به عنوان اسناد رسمی و حکومتی، شعائر مذهبی حک شده بر روی

آنها است که همواره بیانگر جهان بینی و باورهای دینی، اخلاقی و سیاسی جامعه‌ای است که آن سکه‌ها در آنجا رواج داشته است.

نادر پس از تاج‌گذاری و توسعه قلمرو، با کنار نهادن شعائر شیعه، مضامین سکه‌ها را تغییر داد که نکته‌ای بسیار مهم از لحاظ مذهبی در این مقطع تاریخی است. پس از قتل نادرشاه، آثار هنری و به طور خاص مسکوکات این دوران می‌تواند نمایشگر ظهور مضامین و نشانه‌های جدید باشد، به گونه‌ای که جانشینان نادرشاه بار دیگر، مضامین مذهبی و عبارات شیعی را در جهت اثبات ارادت به خاندان نبوت و ائمه (علیهم‌السلام) در مسکوکات به کار بردند و به طور ویژه خود را وابسته به امام رضا (علیه السلام) نامیدند. بازماندگان نادری چون از نفوذ معنوی حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، در بین مردم ایران به خصوص در خراسان به مرکزیت مشهد آگاهی داشتند، کوشیدند با نشان دادن ارادت خود به آن امام بزرگوار بر میزان محبوبیت خود بیفزایند. بر این اساس، فرمانروایان و حکام افشاری نیز مانند هر حاکمیتی، برای تداوم حکومت خویش نیازمند مشروعیت بودند. به بیان دیگر، آنها می‌کوشیدند در پرتو بهره‌گیری از مذهب تشیع و نقر نام امام رضا (علیه السلام) بر روی مسکوکات تأییدیه مردم را به دست آورند تا در پی آن مشروعیت لازم را کسب کنند، به گونه‌ای که نه تنها حکام افشاری پس از نادرشاه (عادل‌شاه، ابراهیم میرزا، شاهرخ میرزای افشار) با نام امام رضا (علیه السلام) سکه ضرب کردند، بلکه دیگر مدعیان قدرت که در آن برهه زمانی در سطوح پایین‌تری قرار داشتند، مانند امیر اصلان‌خان افشار نیز نام مبارک آن امام همام را بر روی سکه‌های خود حک کردند. به یقین، نقر سکه به نام مبارک امام رضا (علیه السلام) و میزان فراوانی استفاده از نام حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) مهم‌ترین و پرشورترین رفتار مذهبی فرمانروایان افشاری تلقی می‌شد که در بین دوره و سلسله‌های پیشین و پسین سابقه نداشت و می‌توانست بسیاری از نظرها را به خود معطوف کند.

منابع

- استرآبادی، میرزاهمدی (۱۳۴۱). تاریخ جهان‌گشای نادری، به کوشش: عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار ملی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۸). تاریخ مغول در ایران، ترجمه: محمود میرآفتاب، تهران: علمی و فرهنگی.
- افتخاری، یوسف (۱۳۹۴). سکه‌شناسی شاهان افشار، تهران: پازینه.
- بارتولد، و. (۱۳۸۹). فرهنگ اسلامی، ترجمه: لیلا ربن‌شه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بازن، پادری (۱۳۴۰). نامه‌های طیب نادرشاه، ترجمه: علی اصغر حریری، تهران: انجمن آثار ملی.
- بیانی، سوسن (۱۳۷۹). «تبلور عهد مغول در آینه فلز»، در: مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ترابی طباطبایی، سید جمال (۱۳۵۰). «سکه‌های اسلامی دوره ایلخانی و گورکانی»، در: نشریه موزه آذربایجان شرقی، ش ۳.
- رابینو، لویی (۱۳۵۳). سکه‌های شاهان ایرانی: آلبوم سکه‌ها، نشان‌ها و مهرهای پادشاهان ایران، به اهتمام: محمد مشیری، تهران: امیرکبیر.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۹۳). سکه‌های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقین، تهران: سمت.
- سرافراز، علی اکبر؛ آورزمانی، فریدون (۱۳۸۳). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زنده، تهران: سمت.
- سرافرازی، عباس (۱۳۹۳). «جغرافیای تاریخی ضرب سکه‌ها با نام مبارک امام رضا (علیه السلام)»، در: خراسان بزرگ، س ۵، ش ۱۵، ص ۱۱-۲۱.
- سکه‌های باغ موزه نادرشاه در مشهد.
- سکه‌های کتابخانه و موزه ملی ملک.
- شاهد، احمد (۱۳۸۹). سیری در سکه‌های شاهان ایران از آغاز تا پایان ضرب سکه، اسفراین: آستون.
- شاه‌مرادی، سید مسعود؛ منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۵). «کاربرد سکه‌شناسی در مطالعات تاریخ تشیع: مطالعه نمونه‌ای سکه‌های ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام)»، در: شیعه‌پژوهی، س ۳، ش ۹، ص ۶۹-۹۳.
- شریعت‌زاده، علی اصغر (۱۳۹۰). سکه‌های ایران زمین، تهران: پازینه.
- صفت‌گل، منصور (۱۳۷۵). «برافتادن فرمانروایی افشاریان از خراسان و ستیزه‌های پایانی افشاریان با قاجاریان»، در: فرهنگ، ش ۱۹، ص ۲۹۳-۳۳۸.
- فرح‌بخش، هوشنگ (۱۳۸۵). سکه‌های ضربی، چکشی ایران: صفویه، افغان‌ها، افشاریه، زنده و قاجاریه، برلین: نوین فرح‌بخش.
- قائینی، فرزانه (۱۳۸۸). سکه‌های دوره صفویه، تهران: پازینه.
- قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷). فوائد الصفویة: تاریخ سلاطین و امرای صفوی پس از سقوط دولت صفویه، به کوشش: مریم میراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

تحلیلی بر فراوانی نقر نام حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) .../۲۴۳

- گلستانه، ابوالحسن (۱۳۴۴). مجمل التواریخ، به کوشش: محمدتقی مدرس رضوی، تهران: ابن سینا.
- گولد، جولپوس؛ کولب، ویلهلم (۱۳۸۴). فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: مازیار.
- متولی، عبدالله (۱۳۹۱). «صفویه و الگوها و نمادهای تبلیغات مذهبی در ساختار حکومتی اش»، در: شیعه‌شناسی، س ۱۰، ش ۴۰، ص ۱۷۱-۲۰۲.
- مرعشی صفوی، میرزا محمدخلیل (۱۳۶۲). مجمع التواریخ در تاریخ انقراض صفویه: وقایع بعد تا سال ۱۲۰۷ ه.ق.، به کوشش: عباس اقبال، تهران: کتابخانه طهوری و اقبال.
- مرعشی، سلطان هاشم میرزا (۱۳۷۹). زبور آل داود، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: میراث مکتوب.
- مروی، محمدکاظم (۱۳۶۴). عالم آرای نادری، تصحیح: محمدامین ریاحی، تهران: زوار.
- موسوی دالینی، جواد (۱۳۹۸). «آزادخان گلجایی؛ حکمران سنی مذهب و نقر سکه صاحب الزمان (عج)»، در: شیعه‌شناسی، س ۱۷، ش ۶۶، ص ۵۵-۸۴.
- نامی اصفهانی، محمدصادق (۱۳۶۳). تاریخ گیتی گشا، به کوشش: سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۸). نادرشاه و بازماندگانش، تهران: زرین.

Rabino di Borgomale, H. L. (1974). *Album of Coins, Medals and Seals of the Shahs of Iran (1500-1948 A.D.)*, edited by M. Moshiri, Tehran: Amir Kabir.

References

- Bartold, V. 2010. *Farhang Islami (Muslim Culture)*, Translated by Leyla Rabansheh, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Farsi]
- Bayani, Susan. 2000. "Tabalvor Ahd Moghol dar Ayineh Felez (Reflection of the Mongol Era in Metalwork)", in: *Proceedings of the First Historical Seminar on the Mongol Invasion of Iran and Its Consequences*, Tehran: Shahid Beheshti University. [in Farsi]
- Bazen, Padri. 1961. *Nameh-hay Tabib Nader Shah (Letters of the Doctor of Nader Shah)*, Translated by Ali Asghar Hariri, Tehran: National Works Association. [in Farsi]
- Coins in Naderi Garden Museum in Mashhad
- Coins of Malek National Library & Museum
- Eftekhari, Yusof. 2015. *Sekkeshenasi Shahan Afshar (Numismatics of Afsharid Kings)*, Tehran: Pazineh. [in Farsi]
- Estarabadi, Mirza Mahdi. 1962. *Tarikh Jahangoshay Naderi (History of Nader Shah)*, Prepared by Abdollah Anwar, Tehran: National Works Association. [in Farsi]
- Farahbakhsh, Hushang. 2006. *Sekkeh-hay Zarbi, Chakkoshi Iran: Safawiyeh, Afghan-ha, Afshariyeh, Zandiyeh wa Ghajariyeh (Iranian Mint and Hammer Coins: Safavids, Afghans, Afsharians, Zandis and Qajaris)*, Berlin: Novin Farahbakhsh. [in Farsi]
- Ghaini, Farzaneh. 2009. *Sekkeh-hay Doreh Safawiyeh (Coins of the Safavid Period)*, Tehran: Pazineh. [in Farsi]
- Ghazwini, Abu al-Hasan. 1988. *Fawaed al-Safawiyeh: Tarikh Salatin wa Omaray Safawi pas az Soghut Dolat Safawiyeh (Safavid Benefits: History of Safavid Sultans and Rulers after the Fall of the Safavid State)*, Prepared by Maryam Mirahmadi, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [in Farsi]
- Golestaneh, Abu al-Hasan. 1926. *Mojmal al-Tawarikh (Concise Chronicles)*, Prepared by Mohammad Taghi Modarres Razawi, Tehran: Ibn Sina. [in Arabic]
- Gould, Julius; Kolb, William. 2005. *Farhang Olum Ejtemai (A Dictionary of the Social Sciences)*, Tehran: Maziyar. [in Farsi]

- Marashi Safawi, Mirza Mohammad Khalil. 1983. *Majma al-Tawarikh dar Tarikh Engheraz Safawiyeh: Waghaye Bad ta Sal 1207 H.Gh (Collection of Chronicles on the Date of the Fall of Safavid: Later Events until 1207 A.H.)*, Prepared by Abbas Eghbal, Tehran: Tahuri & Eghbal Library. [in Farsi]
- Marashi, Soltun Hashem Mirza. 200. *Zabur Al Dawud (The Psalms of the Family of David)*, Edited by Abd al-Hoseyn Nawayi, Tehran: Written Heritage. [in Farsi]
- Marwi, Mohammad Kazem. 1985. *Alam Aray Naderi*, Edited by Mohammad Amin Riyahi, Tehran: Zowwar. [in Farsi]
- Motewalli, Abdollah. 2012. "Safawiyeh wa Olgu-ha wa Namad-hay Tablighat Mazhabi dar Sakhtar Hokumatiash (Safavids and Patterns and Symbols of Religious Propaganda in Their Government Structure)", in: *Shiite Studies*, yr. 10, no. 40, pp. 171-202. [in Farsi]
- Musawi Dalini, Jawad. 2019. "Azadkhan Gholjyai; Hokmran Sonni Mazhab wa Naghr Sekkeh Saheb al-Zaman (AS) (Azadkhan Gholjyai; Sunni Ruler and Minting Coins in the Name of Saheb al-Zaman (AS))", in: *Shiite Studies*, yr. 17, no. 66, pp. 55-84. [in Farsi]
- Nami Isfahani, Mohammad Sadegh. 1984. *Tarikh Gitigosha*, Prepared by Said Nafisi, Tehran: Eghbal. [in Farsi]
- Nawayi, Abd al-Hoseyn. 1989. *Nader Shah wa Bazmandeganash (Nader Shah & His Survivors)*, Tehran: Zarrin. [in Farsi]
- Rabino di Borgomale, H. L. 1974. *Album of Coins, Medals and Seals of the Shahs of Iran (1500-1948 A.D)*, edited by M. Moshiri, Tehran: Amirkabir.
- Rabino, Louis. 1974. *Sekkeh-hay Shahan Irani: Albom Sekkeh-ha, Neshan-ha wa Mohr-hay Padeshahan Iran (Coins, Medals and Seals of the Shahs of Iran)*, Prepared by Mohammad Moshiri, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Rezayi Baghbidi, Hasan. 2014. *Sekkeh-hay Iran dar Doreh Islami: az Aghaz ta Baramadan Saljughin (Iranian Coins in the Islamic Period: From the Beginning to the Rise of the Seljuks)*, Tehran: Samt. [in Farsi]
- Sarafraz, Ali Akbar; Awarzamani, Fereydun. 2004. *Sekkeh-hay Iran az Aghaz ta Doran Zandiyeh (Iranian Coins from the Beginning to the Zandieh Era)*, Tehran: Samt. [in Farsi]
- Sarafrazi, Abbas. 2014. "Joghrafiyay Tarikhi Zarb Sekkeh-ha ba Nam Mobarak Imam Reza (AS) (Historical Geography of Engraving the Blessed Name of Imam Ali Reza (AS) on Coins)", in: *Great Khorasan*, yr. 5, no. 15, pp. 11-21. [in Farsi]

- Sefatgol, Mansur. 1996. "Baroftadan Farmanrawayi Afshariyan az Khorasan wa Setize-hay Payani Afshariyan ba Ghajariyan (The Fall of Afshari Rule from Khorasan and the Final Conflicts of Afshari with Qajar)", in: *Culture*, no. 19, pp. 293-338. [in Farsi]
- Shahed, Ahmad. 2010. *Seyri dar Sekke-hay Shahan Iran az Aghaz ta Payan Zarb Sekkeh (A Look at the Coins of Persian Kings from the Beginning to the End of Coinage)*, Esfarayen: Aston. [in Farsi]
- Shahmoradi, Seyyed Masud; Montazer al-Ghaem, Asghar. 2016. "Karbord Sekkehshenasi dar Motaleat Tarikh Tashayyo: Motaleeh Nemuneyi Sekkeh-hay Welayt Ahdi Imam Reza (AS) (Application of Numismatics in the Study of Shiite History: A Case Study of Coins of Princehood of Imam Reza (AS))", in: *Shiite Studies*, yr.3, no. 9, pp. 69-93. [in Farsi]
- Shariatzadeh, Ali Asghar. 2011. *Sekkeh-hay Iranzamin (Iranian Coins)*, Tehran: Pazineh. [in Farsi]
- Spuler, Bertold. 1989. *Tarikh Moghol dar Iran (History of the Mongols in Iran)*, Translated by Mahmud Miraftab, Tehran: Scientific and Cultural. [in Farsi]
- Torabi Tabatabayi, Seyyed Jamal. 1971. "Sekkeh-hay Islami Doreh Ilkhani wa Gurkani (Islamic Coins of the Ilkhanid and Gurkhanid Periods)", in: *Journal of the Museum of East Azerbaijan*, vol. 3. [in Farsi]